



فصلنامه علمی پژوهشی  
دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت  
سال نهم / شماره ۳۵ / پائیز ۱۳۹۹

## بررسی نقش داده‌های حسابداری و بازار سهام بر تغییرات شاخص اشتغال

### آیت بلالی

دانشجوی دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بابل، گروه حسابداری، بابل، ایران  
ayatbalali@yahoo.com

### ایمان داداشی

گروه حسابداری، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران (نویسنده مسئول)  
idadashi@baboliau.ac.ir

### مریم شفیعی کاخکی

گروه اقتصاد، واحد بابل، دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران  
m\_shafiee\_k@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۳ تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۰۵

### چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش داده‌های حسابداری و بازار سهام بر تغییرات شاخص اشتغال به انجام رسید. از درآمد شرکت‌های بورسی به عنوان شاخصی برای داده‌های حسابداری و بازده سهام شرکت‌ها به عنوان شاخصی برای داده‌های بازار سهام استفاده گردید. همچنین شاخص اشتغال بر اساس نرخ‌های اعلام شده توسط بانک مرکزی در تحقیق حاضر به کار گرفته شد. نمونه آماری پژوهش شامل ۱۱۷ شرکت می‌باشد که در طی دوره زمانی ۱۳۸۵ لغایت ۱۳۹۷ از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس انتخاب شده و آزمون فرضیه‌ها نیز با استفاده از داده‌های پانلی و به کمک روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، انجام شده است. نتایج نشان داد تغییرات درآمد سالانه به عنوان شاخصی از داده‌های حسابداری تاثیر مثبت و معناداری بر تغییرات شاخص اشتغال می‌گردد. همچنین بازده سهام شرکت‌ها به عنوان شاخصی از داده‌های بازار سهام تاثیر مثبت و معناداری بر تغییرات شاخص اشتغال دارد.

واژه‌های کلیدی: بازده سهام، داده‌های بازار سهام، داده‌های حسابداری، درآمد، شاخص اشتغال.

## ۱- مقدمه

وضعیت و محیط اقتصادی تأثیر بسیار زیادی بر وضعیت مالی شرکتها داشته و در ادبیات اقتصاد مالی مکرراً اهمیت این موضوع بیان شده است. مطالعه بال و براون<sup>۱</sup> (۱۹۶۸) نشان داد که سود افشا شده در شرکتها تا حدود بسیاری تحت تأثیر تغییر شرایط اقتصادی می‌باشد. اطلاعات موجود بیانگر این امر است که بورس‌های اوراق بهادار توسعه‌یافته در کشورهایی که به لحاظ اقتصادی در شرایط مطلوبی قرار دارند، دارای شرکت‌هایی متأثر از وضعیت اقتصادی هستند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ۱۶۵). مدیران شرکتها برای مواجه شدن با دنیای پرتلاطم کنونی، باید علاوه بر بررسی و داشتن آگاهی در برابر عوامل اقتصادی داخلی و خارجی تأثیرگذار مناسب‌ترین موضع را انتخاب نموده و درست‌ترین تصمیم را اتخاذ کنند. تنها در این شرایط است که می‌توان انتظار موفقیت را از شرکتها داشت. از آنجا که عوامل اقتصادی خواه به شکل مستقیم و یا غیرمستقیم بر نحوه بازدهی سهام بر تابع تقاضای بازار کار و میزان عملکرد یک بنگاه اقتصادی تأثیر می‌گذارد، از سوی دیگر ارزش سهام یک بنگاه نیز تا حدودی وابسته به عملکرد آن است. از این دیدگاه به نظر می‌رسد بررسی دقیق میزان تأثیر هر یک از متغیرهای بیان شده توسط مدیران واحدهای اقتصادی و ذینفعان (سهامداران، بستانکاران و...) آن اهمیت و ضرورتی دو چندان دارد. محصول نهایی فرآیند گزارشگری مالی تبیین عوامل و متغیرهایی مانند متغیرهای کلان اقتصادی و مالی و مشخص نمودن حدود اثرگذاری این متغیرها بر تصمیمات استفاده‌کنندگان است که در بازده یا کسب درآمد سرمایه‌گذاری نشان داده می‌شود. لذا تلاش برای جستجوی روش‌ها و متغیرهایی که بتوان توسط آن متغیرهای کلان اقتصادی (مانند اشتغال، بیکاری، تورم و...) را ارزیابی کرد، ضرورت دارد (جلایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ ۳۹).

بازار سرمایه این موقعیت را برای سرمایه‌گذاران ایجاد می‌کند که در تعداد زیادی از بنگاه‌ها سهیم باشند و با تنوع امکانات واسطه‌های مالی، اقتصاد را به سرمایه‌گذاری در پروژه‌های با ریسک بالا تشویق می‌کند و این امر منجر به تحریک رشد اقتصادی و شاخص‌های اقتصادی می‌گردد. از سویی دیگر واسطه‌های مالی با دستیابی به اطلاعات، تخصیص منابع میان پروژه‌های گوناگون را بهبود می‌بخشند. ممکن است که بنگاهی پروژه‌هایی برای اجرا داشته باشد اما اطلاعات مفیدی راجع به الزامات اجرای آن در اختیار سرمایه‌گذاران قرار ندهد؛ بنابراین کسب اطلاعات برای سرمایه‌گذاران پرهزینه خواهد بود. بازار سرمایه شرایطی را فراهم می‌کند تا سرمایه‌گذاران بتوانند اطلاعات مورد نیاز برای انجام

سرمایه‌گذاری را به دست آورند. بازار سرمایه باعث تحرک مناسب پس‌انداز نیز می‌شود. بازار سرمایه، سرمایه‌های خرد را جمع‌آوری نموده و آنها را در محل‌های مناسب سرمایه‌گذاری می‌کند، این امر موجب افزایش رشد اقتصادی می‌گردد (علیقلی و حسینی، ۱۳۹۶؛ ۲۰۳).

می‌توان از اطلاعات حسابداری کل در زمان واقعی برای تشخیص خطاها در اعلامیه‌های اولیه تولید ناخالص داخلی استفاده کرد. انتظارات کلان اقتصادی که از اطلاعات حسابداری شکل می‌گیرد طیف گسترده‌ای از تصمیمات دستگاه‌های دولتی و کارگزاران اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برآورد تولید ناخالص داخلی در اقتصاد به منابع اطلاعاتی وابسته است که برخی از این اطلاعات هنگام ارائه برآوردهای اولیه در دسترس نیستند. بنابراین، استفاده از مفروضات و اطلاعات دقیق‌تر، می‌تواند دقت برآورد اولیه تولید ناخالص داخلی را بهبود بخشید، که با ترکیب اطلاعات، سایر متغیرهای کلان اقتصادی که با تولید ناخالص داخلی همخوانی دارند، نیز بهبود می‌یابند. تغییرات بیکاری و رشد تولید ناخالص داخلی در جهت مخالف یکدیگر است. بنابراین، تغییر در نرخ بیکاری می‌تواند ناشی از اطلاعات مربوط به رشد ناخالص داخلی جاری باشد. بنابراین، منابع اطلاعاتی (مالی و حسابداری) که به بهبود شاخص‌های تولید ناخالص داخلی کمک کنند به ایجاد دقیق‌تر تخمین‌های نرخ بیکاری منجر می‌شود (نالاردی و اگنوا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷؛ ۱۵۱). تحقیقات گذشته اقتصاد کلان از اثرات حسابداری برای بررسی تخصیص مجدد نیروی کار استفاده نمی‌کند و در عوض از پراکندگی تغییرات اشتغال یا بازده سهام استفاده می‌کند (لونگانی و همکاران<sup>۳</sup> ۱۹۹۰؛ برینارد و کاتلر<sup>۴</sup>، ۱۹۹۳). پراکندگی همه‌جانبه در رشد درآمد شرکت به‌عنوان یک شاخص از بکارگیری مجدد نیروی کار مزایای مختلفی دارد. برخلاف اطلاعات تغییرات بخش اشتغال، اطلاعات حسابداری به صورت سطح معینی در دسترس و به موقع است، و احتمال تغییر مجدد آن نیز بسیار کم است. برخلاف بازده سهام، سود حسابداری با جریان وجوه نقد مطابقت زیادی دارد. این مزایا اطلاعاتی از سود افزایشی و پراکندگی رشد درآمد برای بررسی مجدد اشتغال و یا بهبود دقت برآوردهای اولیه اقتصاد کلان استفاده می‌شوند (نالاردی و اگنوا<sup>۲</sup>، ۲۰۱۷؛ ۱۵۲). بر اساس مطالب ذکر شده در این پژوهش در پی پاسخگویی به این پرسش هستیم آیا درآمد شرکت به عنوان داده‌های حسابداری و بازده سهام به عنوان داده‌های بازار سهام منجر به تغییرات شاخص اشتغال می‌گردد؟

## ۲- مبانی نظری و پیشینه پژوهش

در ادبیات اقتصادی، بازارهای مالی به عنوان جریان‌های هدایت‌کننده منابع مالی از بخش غیرمولد به بخش تولید و مولد دارای نقش حیاتی در رشد اقتصادی، اشتغال‌زایی، سرمایه‌گذاری، تثبیت متغیرهای پولی و مالی و در مجموع بهبود رفاه جامعه دارند. اهمیت این بازارها به حدی بالا است که از آنها به‌عنوان جریان‌های اصلی اقتصاد یاد می‌شود. با توجه به پیوند قوی بازار سرمایه کشور با سایر بخش‌های اقتصادی در صورت ایجاد هرگونه اختلال در عملکرد یکی از بخش‌های اقتصادی، بازار سرمایه یکی از کانال‌های انتقال‌دهنده پیامدهای این بخش به سایر بخش‌ها خواهد بود. از این‌رو با توجه به نقش مهم بازار سرمایه به‌ویژه بورس اوراق بهادار در رشد اقتصادی کشور و همچنین کانال ارتباطی بین بخشی آن با نهادهای اقتصادی، توجه به عوامل تأثیرگذار بر بورس اوراق بهادار حائز اهمیت است (ذوالفقاری، ۱۳۹۸؛ ۱).

برای بهره‌برداری صحیح از سرمایه‌گذاری‌های بزرگ در قسمت‌های گوناگون اقتصادی و تسریع در فرآیند رشد و توسعه، تهیه اطلاعات مناسب، درست و به‌موقع دارای اهمیت بسیاری است که استقرار سیستم‌های حسابداری مطلوب می‌تواند، بخش بزرگی از این اطلاعات، به‌ویژه اطلاعات مالی، را تهیه و ارائه نماید. پیشبرد برنامه‌های رشد و توسعه اقتصادی کشورها دارای اهمیت زیادی است. حسابداری به‌عنوان قسمتی از نظام اطلاعاتی، نقش مشهودی را در تصمیم‌گیری‌های مرتبط با توسعه اقتصادی ایفا می‌کند. لذا انجام کارهای موفقیت‌آمیز برنامه‌های توسعه نیاز به اطلاعات مربوط و قابل‌اعتمادی دارد، که بتواند پشتوانه تصمیم‌های برنامه‌های مربوط در این خصوص باشد. به نظر می‌رسد در کشورهای درحال توسعه بدون اینکه به اهمیت واقعی حسابداری و نقش آن در توسعه اقتصادی توجه شود، اطلاعات و به‌تبع آن حسابداری را عاملی کم‌تأثیر دانسته و یا اینکه این تصور وجود دارد که حسابداری در فرآیند توسعه به تدریج و به خودی خود نظم لازم را می‌یابد؛ در حالی که نمی‌توان این واقعیت را پنهان نمود که در این کشورها استقرار سیستم‌های مطلوب مالی و حسابداری در سطح حسابداری خرد و کلان می‌تواند بخشی از زیرساخت ضروری برای دستیابی به اهداف توسعه اقتصادی فراهم کرد و دارای اهمیت ویژه‌ای است. در سیستم اقتصادی کنونی دنیا تهیه و گزارش اطلاعات صحیح مالی و سایر اطلاعات اقتصادی به مراکز تصمیم‌گیری دارای اهمیت بسیاری است حسابداری به‌عنوان قسمتی از نظام اطلاعاتی نقش بارزی را در تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه اقتصادی ایفا می‌کند (خاکی، ۱۳۹۴؛ ۲).

علیرغم پیامدهای مطلوب اقتصادی و منافع گسترده‌ای که از ارائه گزارش‌های مالی با کیفیت نصیب ذینفعان می‌شود، گزارش‌های مالی شرکت‌ها از محتوای اطلاعاتی یکسانی برخوردار نیست و به نظر می‌رسد عوامل و متغیرهایی منجر به ایجاد تفاوت در محتوای اطلاعات مالی می‌شود. محتوای اطلاعاتی قیمت سهام یکی از شاخص‌های مهم اطلاعات منتشر شده است که بر تصمیمات سرمایه‌گذاران و سهامداران تأثیرگذار است. در دو دهه گذشته همزمانی بازده سهام به عنوان یکی از معیارهای مهم اندازه‌گیری محتوای اطلاعاتی قیمت سهام مطرح شده است (لطفی و همکاران، ۱۳۹۷؛ ۸۲). بسیاری از نویسندگان سعی داشته‌اند که روابط بین متغیرهای کلان اقتصادی را با بازده سهام نشان دهند. آن‌ها چند متغیر اقتصاد کلان بر بازده بازار سرمایه را براساس تئوری قیمت‌گذاری آربیتراژ مشخص کرده‌اند. چن و همکاران<sup>۵</sup> (۱۹۸۶) رابطه هفت متغیر کلان اقتصادی را بازده سهام سنجیدند و بیان کردند رابطه قوی بین متغیرهای کلان و بازده مورد انتظار سهام وجود دارد. بورمیسستر و وال<sup>۶</sup> (۱۹۸۶) به این نتیجه رسیدند که تغییرپذیری بازده سهام می‌تواند از طریق تغییرات پیش‌بینی نشده در متغیرهای اقتصاد کلان خاص توضیح داده شوند. پون و تیپلور<sup>۷</sup> (۱۹۹۱) در تحقیق بر روی بازار سرمایه انگلستان نشان دادند که متغیرهای اقتصاد کلان به نظر نمی‌رسد که آنطور که در ایالات متحده اثرگذار بود بر بازده سهام انگلستان مؤثر باشند (فدایی نژاد و فراهانی، ۱۳۹۶؛ ۴).

نرخ بیکاری از مهمترین شاخص‌های اقتصادی محسوب می‌شوند. لذا پیش‌بینی این متغیرها در سالهای اخیر، در کانون توجه پژوهشگران مختلف داخلی و خارجی نالاردی و آگنوا (۲۰۱۷) بوده است. پیش‌بینی این شاخص‌های کلان اقتصادی از مهمترین مسائلی هستند که برای ایجاد جامعه مرفه باید مورد توجه قرار گیرند، زیرا اعلامیه‌های اولیه این شاخص‌ها در اقتصاد کلان بر طیف وسیعی از تصمیمات سازمان‌های دولتی و سایر عوامل اقتصادی تأثیر می‌گذارد. لیو و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان رشد اشتغال، ریسک نقدینگی و بازده مقطعی سهام بیان کردند رشد اشتغال احتمالاً با مبانی نقدینگی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، سلامت شرکت‌ها و محیط اطلاعاتی در ارتباط است. این امر به نوبه خود نشان‌دهنده این است که ریسک نقدینگی در توضیح رابطه بین رشد اشتغال و بازده سهام نقش دارد. در این تحقیق ارتباط بین رشد اشتغال و ریسک نقدینگی با یک مدل بهینه توضیح داده شد. نتایج نشان داد سهام شرکت‌های با سطح بالای رشد اشتغال نسبت به سهام شرکت‌های با رشد اشتغال

کم با نقدینگی کمتری مواجه هستند. پس از تعدیل ریسک نقدینگی، رشد اشتغال قدرت پیش‌بینی بازده را از دست می‌دهد.

بنملچ و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیقی با عنوان مداخله مالی و اشتغال در دوران رکود بزرگ شواهد جدیدی ارائه کردند که نشان می‌دهد اختلال در تأمین اعتبار، نقش مهمی در کاهش بی‌سابقه اشتغال در دوران رکود اقتصادی بزرگ دارد. عدم در این تحقیق یک اثر علی بزرگ و منفی برای مداخله تأمین مالی در تخمین اشتغال شرکت ارائه شد. نتایج نشان داد عدم دسترسی به اعتبار احتمالاً بخش قابل‌توجهی از کل اشتغال شرکت‌های بزرگ را بین سال‌های ۱۹۲۸ و ۱۹۳۳ کاهش داده است.

نالاردی و اگنوا (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان پیش‌بینی شاخص‌های کلان اقتصادی با استفاده از داده‌های حسابداری به این نتیجه رسیدند که با در نظر گرفتن سودهای حسابداری می‌توان نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری را با درصد خطای کمتری پیش‌بینی کرد. علاوه بر این با توجه به اینکه کارشناسان حرفه‌ای اقتصادی در تحلیل‌های خود به‌ندرت ممکن است اطلاعات مرتبط با سود حسابداری را در برآورد متغیرهای عمده اقتصادی استفاده کنند، لذا می‌توان از طریق استفاده از اطلاعات حسابداری خطای پیش‌بینی اولیه در برآوردهای اولیه را توضیح و تبیین کرد.

چان و هامید (۲۰۱۲) در پژوهشی به این نتیجه دست یافتند که در کشورهای درحال توسعه، ضعیف بودن افشاء اطلاعات و نیز فقدان شفافیت اطلاعات مالی شرکت‌ها، سبب افزایش نوسانات قیمت سهام و نیز حرکت هم‌جهت قیمت سهام در سطح بازار می‌گردد. آنها کشورهای درحال توسعه را با شاخص‌هایی نظیر تورم و نرخ بیکاری بالا و مکانیزم‌های راهبری شرکتی ناکارآمد طبقه‌بندی نموده‌اند.

خلیلی (۱۳۹۸) در تحقیقی با عنوان بررسی عوامل و سیاست‌های موثر بر اشتغال نیروی کار به برآورد الگوهای اشتغال نیروی کار، به منظور شناسایی عوامل مؤثر بر آن به عنوان مهم‌ترین چالش عملی شدن اقتصاد مقاومتی پرداختند. در این پژوهش پس از ارائه کلیات و بررسی مبانی نظری و ادبیات پژوهش در رابطه با عوامل مؤثر بر شاخص اقتصاد مقاومتی (اشتغال نیروی کار)، از متغیرهای میزان حداقل دستمزد (متغیر سیاست‌گذاری)، تولید ناخالص داخلی حقیقی، درآمدهای نفتی واقعی، موجودی سرمایه، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و درجه باز بودن تجاری به عنوان متغیرهای توضیح دهنده شاخص اقتصاد مقاومتی استفاده شد. برآورد مدل به کمک روش خود توضیح با وقفه‌های گسترده

(ARDL) انجام شده است و همچنین جهت بررسی شوکها از الگوی خودتوضیح برداری (VAR) برای داده‌های سالانه ۱۳۹۴-۱۳۵۹ استفاده شد. نتایج نشان دادند که در کوتاه مدت، تولید ناخالص داخلی، موجودی سرمایه، درآمد حاصل از فروش نفت، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و باز بودن تجاری اثر مثبت بر شاخص اقتصاد مقاومتی دارند. اما حداقل دستمزد با یک دوره تأخیر اثر منفی و معناداری بر روی این شاخص دارد که نتایج فوق برای بلند مدت نیز صدق می‌کند. در نهایت نشان داده شده است که اثر برخی شوک‌های وارده بر شاخص اقتصاد مقاومتی تا سالیان طولانی باقی خواهد ماند.

لطفی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی با عنوان اعتبارسنجی و توسعه مدل‌های همزمانی بازده سهام و تأثیر وضعیت اقتصادی کشور بر تغییرات آن به اعتبارسنجی مدل‌های مختلف همزمانی بازده سهام و ایجاد معیاری نوین بر مبنای مدل کلاسیک پرداختند. همچنین تأثیر وضعیت اقتصادی کشور بر همزمانی بازده سهام مورد بررسی قرار گرفت. بدین منظور ۱۰۳ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ الی ۱۳۹۴ به روش حذف سیستماتیک انتخاب و بررسی گردید. نتایج آزمون همبستگی به منظور بررسی کارایی معیارهای مختلف همزمانی نشان داد که معیارهای مبتنی بر ضریب تعیین و معیار توسعه یافته بر مبنای معیار کلاسیک هم جهت و هم راستا بوده، اما معیار بازده صفر برخلاف انتظار در جهت عکس سایر معیارها قرار دارد. همچنین همبستگی بالای بین معیار توسعه یافته بر مبنای مدل کلاسیک و سایر معیارهای هم جهت، مؤید قابلیت اتکاء این معیار است. نتایج آزمون مقایسه میانگین‌ها نشان داد در شرایط اقتصادی متفاوت، بورس اوراق بهادار تهران سطوح مختلفی از همزمانی را تجربه نموده است. به عبارت دیگر در شرایط اقتصادی که تورم بالا (پایین) و رشد اقتصادی پایین (بالا) بوده، بورس اوراق بهادار بیشترین (کمترین) همزمانی را تجربه نموده است. نتایج تحلیل رگرسیون معمولی و چندکی نشان داد تغییرات رشد اقتصادی بیشترین تأثیر را بر تغییرات همزمانی داشته و تأثیر نرخ تورم و نرخ بیکاری معنادار نبوده است. از سوی دیگر مقایسه نتایج پژوهش حاضر با پژوهش‌های انجام شده در سطح بین‌المللی نشان داد بازار سرمایه ایران در زمره بازارهای با همزمانی اندک قرار دارد.

علیقلی و حسینی (۱۳۹۶) در تحقیقی با عنوان چگونگی اثرگذاری نوسانات شاخص قیمت سهام بر تغییرات رشد اقتصادی در ایران (۹۶-۱۳۷۱) به بررسی نهادهای مالی در ایران به خصوص بازار بورس اوراق بهادار پرداخته و تأثیری که این نهادها از راه تأمین مالی بخش واقعی اقتصاد بر رشد و

### ۳- مبانی توسعه فرضیه‌ها

نرخ اشتغال از مهمترین شاخص‌های اقتصادی محسوب می‌شود. لذا پیش‌بینی این متغیرها در سالهای اخیر، در کانون توجه پژوهشگران مختلف داخلی و خارجی بوده است. تبیین این شاخص‌های کلان اقتصادی از مهمترین مسائلی هستند که برای ایجاد جامعه مرفه باید مورد توجه قرار گیرند، زیرا گزارشات این شاخص‌ها در اقتصاد کلان بر طیف وسیعی از تصمیمات سازمان‌های دولتی و سایر عوامل اقتصادی تاثیر می‌گذارد. در چهار دهه گذشته نیز سودمندی اطلاعات حسابداری یک موضوع مورد توجه بوده و توجه به آن در حال افزایش بوده است. عنوان می‌گردد موج نوین پژوهش‌های حسابداری با عنوان حسابداری کلان، در چند سال گذشته در پی کشف و بررسی ارتباط میان اطلاعات و داده‌های موجود در صورت‌های مالی و متغیرهای اقتصادی بوده‌اند. توانایی متغیرهای حسابداری و مالی برای تشریح ارزش بازار سهام (بازده و / یا قیمت)، از زمان پژوهش بیور و بال و براون مورد تحقیق و بررسی قرار گرفته است. می‌توان گفت که داده‌های حسابداری نیز در تغییرات استفاده‌کنندگان و در نهایت افزایش و یا کاهش قیمت بازار سهام نقش دارند. مربوط بودن اطلاعات حسابداری برای خلاصه کردن اطلاعاتی که برای قیمت سهام هستند؛ بنابراین مربوط بودن با یک رابطه آماری بین اطلاعات مالی و قیمت و بازده نشان داده می‌شود (الکدایی و حنغه<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲؛ ۳۲). استفاده اطلاعات مالی جهت ایجاد تعادل بین ریسک و بازده، منجر به بهبود تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران می‌شود. سرمایه‌گذاران می‌توانند با استفاده از اطلاعات مالی و حسابداری، قیمت و بازده سهام آینده خود را پیش‌بینی کنند و بهترین ترکیب را برای مجموعه سرمایه‌گذاری خود به دست آورند (خانی و قجاوند، ۱۳۹۱؛ ۶۸). از سوی دیگر متغیر اشتغال تابع عوامل مختلف اقتصادی و غیراقتصادی است و از میان عوامل اقتصادی به طور حتم سرمایه‌گذاری چه در بخش عمومی و چه در بخش خصوصی تأثیر بسزایی بر افزایش اشتغال دارد (سهیلی و همکاران، ۱۳۹۶؛ ۱۲۲). بر اساس مطالب ذکر شده فرضیه زیر عنوان گردید:

**فرضیه اول:** داده‌های حسابداری بر نرخ اشتغال تأثیر معناداری دارد.

بازده سهام تابع عوامل گوناگونی است، یکی از این عوامل می‌تواند تأثیر تقاضای بازار کار باشد. به لحاظ نظری نااطمینانی در خصوص تقاضای بازار کار می‌تواند بخش داخلی اقتصاد به خصوص بازار سهام را تحت تأثیر قرار دهد. بنابراین اگر تقاضای بازار کار کنترل شود، می‌تواند محیط مناسب و مساعدتری را برای تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری

توسعه‌ی اقتصادی ممکن است داشته باشند، پرداخته می‌شود. در این تحقیق، اطلاعات متغیرها از طریق بانک‌های اطلاعاتی برای سال‌های ۹۶-۱۳۷۱ استخراج شد و از آزمون دیکی فولر برای پایایی متغیرها، آزمون علیت گرنجر و مدل خودرگرسیون برداری (VAR) به آزمون فرضیات استفاده گردید. نتایج نشان داد که متغیر شاخص قیمت سهام اثرات مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی طی دوره‌ی مورد مطالعه دارند. به طوری که با افزایش شاخص قیمت سهام در سال‌های مورد مطالعه، میزان رشد اقتصادی افزایش یافته است (البته بسیار ناچیز). همچنین نتایج این تحقیق نشان داد که تأثیر متغیرهای حجم نقدینگی، درجه آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی مثبت و تأثیر متغیرهای نرخ ارز و نرخ تورم بر رشد اقتصادی منفی می‌باشد.

موسایی و همکاران (۱۳۸۹) در تحقیقی با عنوان رابطه بازار سهام و متغیرهای کلان اقتصادی در ایران به بررسی هم‌انباشتگی و علیت میان متغیرهای کلان اقتصادی و شاخص کل قیمت سهام پرداختند. برای این منظور از داده‌های فصلی شاخص کل قیمت سهام و مجموعه‌ای از متغیرهای کلان اقتصادی شامل عرضه پول، تولید ناخالص داخلی و نرخ ارز استفاده شد. برای توضیح رابطه بلندمدت و کوتاه‌مدت میان متغیرهای موردنظر از رویکردهای انگل گرنجر، ARDL، جوهانسون، فیلیپس-هانسون و مدل تصحیح خطا استفاده شد. به علاوه، با کمک آزمون علیت گرنجر روابط علی بین متغیرهای کلان اقتصادی موردنظر و شاخص کل قیمت سهام را مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشان داد که در تمام الگوهای برآورد شده یک رابطه بلندمدت میان متغیرهای موجود در مدل و شاخص کل قیمت سهام وجود دارد. مطابق نتایج به‌دست‌آمده درحالی‌که حجم پول (سیاست‌های پولی بانک مرکزی) بیشترین تأثیر را بر تغییرات قیمت سهام دارد، آثار نرخ ارز و تولید ناخالص داخلی بر بازار سهام با بی‌اطمینانی زیادی همراه است. براساس نتایج بدست آمده از آزمون علیت گرنجر، شاخص کل قیمت سهام اثر معناداری بر تولید ناخالص داخلی ندارد در حالی‌که متغیرهای کلان بر رونق یا رکود بورس تأثیر می‌گذارند. این نتیجه نشان‌دهنده این است که از شاخص کل قیمت سهام نمی‌توان برای پیش‌بینی تولید ناخالص داخلی استفاده کرد. همچنین قیمت سهام از یک گام تصادفی آن‌طور که تئوری بازارهای کارآمد پیش‌بینی کرده است پیروی نمی‌کند. بر این اساس فرضیه تحقیق مبنی بر عدم کارایی بازار سهام پذیرفته می‌شود.

بورس اوراق بهادار، دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و پژوهشگران قرار گیرد، کاربردی است. همچنین، روش به کار گرفته شده در این پژوهش از لحاظ اجرا از نوع علی، از نظر هدف کاربردی و جهت این پژوهش از جمله تحقیقات پس رویدادی است. تحقیقات پس رویدادی، بررسی ارتباط علت و معلولی توسط مطالعه نتایج موجود و زمینه قبلی به امید یافتن علت عمل انجام شده است. بنابراین، در این پژوهش از اطلاعات آماری مربوط به گذشته برای اثبات فرضیه‌ها استفاده شده است. به طوری که در پژوهش حاضر ابتدا با بررسی ادبیات تحقیق و بر اساس مسئله بیان شده، متغیرهای اصلی شناسایی شده و فرضیه‌ها بر اساس چهارچوب نظری شکل گرفتند. سپس داده‌های مورد نیاز برای سنجش و اندازه‌گیری متغیرهای از صورت‌های مالی و گزارش‌های مالی از طریق سایت کدال و سایت بانک مرکزی جمع‌آوری شده و تبدیل به اطلاعات مربوط شده و برای تجزیه و تحلیل با استفاده از نرم‌افزار EViews10 آماده گردیدند.

جامعه آماری تحقیق کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و روش نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک در نظر گرفته شد. همچنین نمونه آماری تحقیق شرکت‌هایی را دربر گرفته که در عین در دسترس بودن اطلاعاتشان، پایان سال مالی آنها پایان اسفند باشد و جزو بانک‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری و مؤسسات مالی نباشند. در این پژوهش از داده‌های سالانه استفاده شد چراکه شاخص‌های اقتصادی به صورت سالانه توسط بانک مرکزی گزارش می‌شود و دوره زمانی تحقیق به دلیل همگن شدن داده‌های برآوردی شاخص‌های اقتصادی از سال ۱۳۸۵ تا سال ۱۳۹۷ بود. در مجموع تعداد نمونه شامل ۱۱۷ شرکت در باطه زمانی ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۷ بود.

#### ۵- مدل آزمون فرضیه‌ها

در این پژوهش رشد درآمد شرکت به عنوان داده حسابداری و بازده سهام به عنوان داده بازار سهام در نظر گرفته شد. لذا برای بررسی تاثیر متغیرهای مذکور بر نرخ اشتغال (بر اساس داده‌های بانک مرکزی) از مدل رگرسیونی زیر استفاده گردید.

رابطه (۱)

$$\text{EmpGr}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{ChEarn}_{i,t-1} + \beta_2 \text{ChEarn}_{i,t-2} + \beta_3 \text{EmpGr}_{i,t-1} + \beta_4 \text{EmpGr}_{i,t-2} + \beta_5 \text{Ret}_{i,t-1} + \beta_6 \text{Ret}_{i,t-2} + \varepsilon_{i,t}$$

EmpGr: نرخ اشتغال (داده های بانک مرکزی)

ChEarn: تغییر درآمد سالانه شرکت (صورت‌های مالی سالانه شرکت)

فراهم نماید. بازار کار در بین بازارهای چهارگانه اقتصاد، در تنظیم روابط عرضه و تقاضای نیروی کار و تعادل در متغیرهای کلان اقتصادی همچون اشتغال، نقش محوری دارد. پیامدها و آثار اقتصادی-اجتماعی تعادل در بازار کار به نحوی است که مورد توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران است و از پیامدهای مستقیم چنین تعادلی جلوگیری از هزینه و مخارج ایجاد شده در نتیجه بیکاری است (جلایی و همکاران، ۱۳۹۵).

یکی از مهم‌ترین قسمت‌های اقتصادی هر کشور، بازار سرمایه است که اهمیت آن بر کسی پوشیده نیست. بازار سرمایه و در رأس آن بورس اوراق بهادار رابطه نزدیکی با ساختارهای اقتصادی کشور دارد. همچنین از مسائلی که پیرامون بازارهای سرمایه مطرح است، چگونگی تعامل و تأثیرپذیری متقابل این رکن با دیگر ارکان نظام اقتصادی (که معمولاً به عنوان متغیرهای خرد و کلان اقتصادی مطرح است) می‌باشد. بازده سهام یکی از عوامل سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه است. بازده سهام خود با عوامل متعددی در ارتباط است که یکی از آنها بازار کار است (جلایی و همکاران، ۱۳۹۵؛ ۳۸-۳۹). رشد اشتغال مورد توجه سیاست‌گذاران بازار سرمایه قرار دارد. به عنوان یک شاخص مهم برای سلامت کلی اقتصاد، رشد اشتغال باعث افزایش عملکرد بازار سهام می‌شود (لویین و زروس<sup>۹</sup>، ۱۹۹۸؛ نیس و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۱). بلو و همکاران<sup>۱۱</sup> (۲۰۱۴) نخستین بار رابطه بین رشد اشتغال و بازده سهام را در سطح شرکت‌ها بررسی کردند. آنها دریافتند که استخدام شرکتی با بازده سهام آن مرتبط است. آنها عنوان نمودند که شرکت‌های با رشد اشتغال بالا بازده مورد انتظار کمتری را نسبت به بنگاه‌های با رشد اشتغال پایین را کسب می‌کنند (لیو و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۹؛ ۱). بر اساس مطالب ذکر شده فرضیه زیر عنوان گردید:

**فرضیه دوم:** داده های بازار سهام بر نرخ اشتغال تاثیر معناداری دارد.

#### ۴- روش شناسی پژوهش

اینکه پژوهش‌گر تعیین نماید، با چه روش یا شیوه‌ای می‌تواند دقیق‌تر و آسان‌تر به پاسخ‌های احتمالی پژوهش دست یابد هدف از انتخاب روش پژوهش است. انتخاب روش پژوهش به ماهیت موضوع، امکانات و منابع در دسترس وابسته است؛ لذا، زمانی ماهیت پژوهش، موضوع پژوهش، هدف و قلمرو آن مشخص باشد، می‌توان در مورد روش بررسی و انجام یک پژوهش اتخاذ تصمیم نمود. پژوهش حاضر، از آن جهت که می‌تواند مورد استفاده فعالان اقتصادی، مدیران اقتصادی، سازمان

همانگونه که در جدول (۱) ملاحظه می‌شود، بیشترین میانگین مربوط به متغیر به  $Ret_{i,t-2}$  می‌باشد. همچنین بیشترین انحراف معیار مربوط به متغیر  $Ret_{i,t-2}$  است. مثبت بودن ضرایب کشیدگی حکایت از این مطلب دارد که توزیع متغیرها از توزیع نرمال بلندتر بوده و داده‌ها حول میانگین متمرکزتر شده‌اند.

یکی از پیش فرض‌های مدل رگرسیون، مانایی متغیرهای پژوهش است. به منظور اطمینان از نتایج تحقیق و ساختگی نبودن روابط موجود در رگرسیون و معنادار بودن متغیرها، اقدام به انجام آزمون مانایی و محاسبه ریشه واحد متغیرهای تحقیق در مدل‌ها گردید. آزمون مانایی با استفاده از روش‌های آزمون لوین، لین و چو، آزمون ایم، پسران و شین، آزمون ریشه واحد فیشر-دیکی فولر تعمیم‌یافته و آزمون ریشه واحد فیشر-فیلیپس انجام گردید. نتایج حاصل از آزمون به شرح جدول ۲ است.

نتایج بیان شده در جدول (۲) بیانگر این است که معناداری (Prob) به دست آمده برای کلیه آزمون‌های مانایی متغیرها کوچک‌تر از ۰,۰۵ است لذا کلیه متغیرهای تحقیق مانا هستند.

Ret: بازده سهام سالانه شرکت (صورت‌های مالی سالانه شرکت) سنجش فرضیه‌های ۱ و ۲ در مدل فوق طبق روش پانل پویا (GMM) در نرم‌افزار Eviews10 انجام گرفت. بسیاری از ارتباطات اقتصادی به شکل طبیعی پویا هستند و یکی از خصوصیات مفید داده‌های پانل پویا این است که به محققین اجازه می‌دهد که پویایی‌های تعدیل شده را مطلوب‌تر درک کنند. این ارتباطات پویا با حضور متغیر وابسته وقفه دار در بین متغیرهای توضیحی مشخص می‌شوند.

## ۶- یافته‌ها و بحث

در این قسمت پس از تدوین مدل‌های نهایی، برآورد ضرایب متغیرها در مدل اصلی تحقیق با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم یافته (GMM) انجام می‌شود. جدول (۱) آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مدل پژوهش را نشان می‌دهد که بیانگر پارامترهای توصیفی برای هر متغیر به صورت مجزا می‌باشد. این پارامترها عمدتاً شامل اطلاعات مربوط به شاخص‌های مرکزی نظیر بیشینه، کمینه، میانگین، میانه و همچنین اطلاعات مربوط به شاخص‌های پراکندگی نظیر واریانس، چولگی و کشیدگی است.

جدول (۱): آمار توصیفی متغیرها

متغیرها	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
EmpGr	۰/۸۸۴	۰/۸۸۱	۰/۸۹۶	۰/۸۶۵	۰/۰۰۹	-۰/۳۴۳	۲/۳۳۳
ChEarni,t-1	۰/۲۰۴	۰/۱۴۸	۱۰/۰۴۷	-۰/۷۸۴	۰/۵۴۰	۹/۰۳۷	۱۴/۲۱۸
ChEarni,t-2	۰/۲۱۷	۰/۱۶۰	۱۰/۰۴۷	-۰/۹۳۴	۰/۵۴۴	۸/۸۳۳	۱۳/۷۷۹
EmpGri,t-1	۰/۸۸۴	۰/۸۸۵	۰/۸۹۶	۰/۸۶۵	۰/۰۰۸	-۰/۴۷۴	۲/۴۸۹
EmpGri,t-2	۰/۸۸۶	۰/۸۸۷	۰/۹۰۰	۰/۸۶۵	۰/۰۰۹	-۰/۵۱۸	۲/۴۱۴
Reti,t-1	۳/۱۵۸	۲/۴۶۱	۵۸/۳۷۴	-۵۹/۱۵۴	۸/۸۰۵	۰/۳۰۱	۷/۲۸۷
Reti,t-2	۳/۳۲۶	۲/۵۰۳	۵۸/۳۷۴	-۵۹/۱۵۴	۸/۹۹۸	۰/۲۹۱	۷/۰۰۱

جدول (۲): نتایج آزمون مانایی متغیرها

متغیرها	Levin, Lin & Chu		Im, Pesaran and Shin W-stat		ADF - Fisher Chi-square		PP - Fisher Chi-square	
	معناداری	آماره	معناداری	آماره	معناداری	آماره	معناداری	آماره
EmpGr	۰/۰۰۰	-۱۳/۶۶۴	۰/۰۰۰	-۱۳/۲۱۵	۰/۰۰۰	۵۷۶/۳۵۷	۰/۰۰۰	۳۱۶/۹۳۹
ChEarni,t-1	۰/۰۰۰	-۲۹/۵۲۲	۰/۰۰۰	-۲۲/۰۸۴	۰/۰۰۰	۸۶۹/۲۷۹	۰/۰۰۰	۹۷۱/۸۶۰
ChEarni,t-2	۰/۰۰۰	-۳۴/۷۷۵	۰/۰۰۰	-۲۴/۳۶۸	۰/۰۰۰	۹۴۱/۲۷۴	۰/۰۰۰	۱۰۹۱/۴۹
EmpGri,t-1	۰/۰۰۰	-۱۱/۵۵۷	۰/۰۰۰	-۱۲/۶۰۴	۰/۰۰۰	۵۵۳/۹۳۵	۰/۰۰۰	۳۳۰/۲۹۲
EmpGri,t-2	۰/۰۰۰	-۴/۹۶۴	۰/۰۰۰	-۸/۷۲۰	۰/۰۰۰	۴۱۶/۸۴۷	۰/۰۰۰	۴۰۵/۲۰۱
Reti,t-1	۰/۰۰۰	-۳۱/۵۲۳	۰/۰۰۰	-۲۳/۳۰۵	۰/۰۰۰	۹۱۳/۴۹۰	۰/۰۰۰	۱۲۲۷/۳۶
Reti,t-2	۰/۰۰۰	-۳۲/۴۱۸	۰/۰۰۰	-۲۳/۲۸۲	۰/۰۰۰	۹۰۹/۶۶۴	۰/۰۰۰	۱۱۶۳/۵۲

خیلی کم (نزدیک به +1 و 1) که نتایج تحلیل رگرسیونی را تحت تأثیر قرار دهد، وجود ندارد، در نتیجه هم خطی میان متغیرهای پژوهش وجود ندارد. نتایج حاصل از آزمون مدل با استفاده از روش GMM در جدول (۴) ارائه گردیده است.

پیش از تخمین مدل رگرسیونی تحقیق جهت آزمون فرضیات باید همخطی متغیرهای موجود در مدل مورد بررسی قرار گیرد. جدول (۳) ضرایب همبستگی میان متغیرها را نشان می‌دهد. باتوجه به نتایج جدول (۳) و آزمون هم خطی متغیرها مشخص می‌شود که مقادیر ضریب همبستگی خیلی زیاد یا

جدول (۳): نتایج آزمون عدم هم خطی متغیرهای پژوهش

Reti,t-2	Reti,t-1	EmpGri,t-2	EmpGri,t-1	ChEarni,t-2	ChEarni,t-1	EMPGR	Correlation
						۱/۰۰۰	EMPGR
					۱/۰۰۰	۰/۱۰۰	ChEarni,t-1
				۱/۰۰۰	۰/۰۶۶	۰/۰۳۳	ChEarni,t-2
			۱/۰۰۰	۰/۱۰۸	۰/۰۱۷	۰/۴۳۴	EmpGri,t-1
		۱/۰۰۰	۰/۳۹۱	۰/۰۳۷	۰/۰۸۲	۰/۱۶۱	EmpGri,t-2
	۱/۰۰۰	۰/۱۹۰	۰/۰۹۶	۰/۰۲۳	۰/۱۷۳	۰/۰۰۷	Reti,t-1
۱/۰۰۰	۰/۰۲۳	۰/۱۰۰	۰/۰۱۷	۰/۱۷۸	۰/۰۲۶	۰/۰۹۲	Reti,t-2

جدول (۴): نتایج آزمون مدل

P-value	آماره t	خطای استاندارد	ضریب برآورد شده	متغیر
۰/۵۶۱	-۱/۵۸۰	۰/۰۳۳	۰/۰۱۹	EMPGR(-1)
۰/۰۰۴	۲/۸۳۸	۰/۰۱۱	۰/۰۳۳	ChEarni,t-1
۰/۰۰۰	۶/۹۲۰	۰/۰۰۶	۰/۰۴۲	ChEarni,t-2
۰/۰۰۰	۱۴/۰۶۳	۰/۰۷۸	۱/۱۰۳	EmpGri,t-1
۰/۰۰۰	-۴/۴۷۹	۰/۱۱۶	-۰/۵۲۳	EmpGri,t-2
۰/۰۴۸	۱/۹۶۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۳	Reti,t-1
۰/۰۰۴	۲/۸۲۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰۴	Reti,t-2
۱۴	رتبه ابزاری		(۰,۱۳۹)۱۹/۷۷۱	(احتمال) J آماره
۰,۰۰۰	AR(2)		۰,۰۰۰	AR(1)

نرخ اشتغال دارند. بر این اساس، فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مبنی بر اینکه داده‌های حسابداری بر نرخ اشتغال تأثیر معناداری دارد، پذیرفته می‌شود. **فرضیه دوم:** نتایج حاصل از جدول (۴) نشان می‌دهد که معناداری (P-value) محاسبه شده برای متغیرهای مرتبط با داده‌های بازار سهام (Reti,t-1 و Reti,t-2)، کوچک‌تر از ۰,۰۵ و ضرایب متغیرها مثبت است. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که داده‌های بازار سهام تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ اشتغال دارند. بر این اساس، فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۹۵٪ مبنی بر اینکه داده‌های بازار سهام بر نرخ اشتغال تأثیر معناداری دارد، پذیرفته می‌شود.

نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد با توجه به اینکه احتمال آماره J بزرگتر از مقدار آلفا (۵ درصد) می‌باشد، متغیرهای ابزاری استفاده شده در مدل، معتبر می‌باشد. همچنین آزمون همبستگی پسماندها نیز نشان می‌دهد که جملات اخلاقی فاقد همبستگی سریالی مرتبه اول AR(1) بوده همچنین فاقد همبستگی سریالی مرتبه دوم AR(2) می‌باشد. بر این اساس می‌توان ادعا نمود که روش GMM برای برآورد مدل، روش مناسبی می‌باشد. **فرضیه اول:** نتایج حاصل از جدول (۴) نشان می‌دهد که معناداری (P-value) محاسبه شده برای متغیرهای مرتبط با داده‌های حسابداری (ChEarni,t-1 و ChEarni,t-2)، کوچک‌تر از ۰,۰۵ و ضرایب متغیرها مثبت است. در نتیجه می‌توان اظهار داشت که داده‌های حسابداری تأثیر مثبت و معناداری بر



## ۷- نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش داده‌های حسابداری و داده‌های بازار سهام در نرخ اشتغال بوده است. تحلیل نتایج پژوهش نشان داد که تغییرات درآمد سالانه شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ اشتغال دارد، بر این اساس می‌توان عنوان نمود با افزایش اطلاعات حسابداری شرکت‌ها نرخ اشتغال نیز افزایش می‌یابد. نالاردی و اگنوا (۲۰۱۷) دریافتند که با در نظر گرفتن سودهای حسابداری می‌توان نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری را با درصد خطای کمتری پیش‌بینی کرد، این نتیجه از جهاتی در تطابق با یافته‌های تحقیق حاضر است. داده‌های حسابداری با ایجاد شفافیت اطلاعاتی در جامعه می‌تواند عامل کاهنده و پیشگیری‌کننده بسیاری از عوامل فسادزا و ایجادکننده رانت باشد. زمانی که اطلاعات حسابداری به‌طور یکسان در دسترس همگان قرار گیرد سرمایه‌گذاری‌های مناسب‌تری در سطوح مختلف اقتصادی انجام خواهد گرفت و این امر افزایش نرخ اشتغال را در پی خواهد داشت. همچنین بازده سهام شرکت‌ها تأثیر مثبت و معناداری بر نرخ اشتغال دارد، بر این اساس می‌توان عنوان نمود با افزایش اطلاعات بازار سهام شرکت‌ها نرخ اشتغال نیز افزایش می‌یابد. نالاردی و اگنوا (۲۰۱۷) دریافتند که با در نظر گرفتن سودهای حسابداری می‌توان نرخ رشد تولید ناخالص داخلی و نرخ بیکاری را با درصد خطای کمتری پیش‌بینی کرد، این نتیجه از جهاتی در تطابق با یافته‌های تحقیق حاضر است. بلو و همکاران (۲۰۱۴) و لیو و همکاران (۲۰۱۹) در تحقیق خود دریافتند که استخدام با بازده سهام مرتبط است. این نتیجه از جهاتی در تطابق با یافته‌های تحقیق حاضر است. افزایش اطلاعات و داده‌های بازار سرمایه به‌صورت شفاف می‌تواند منجر به جذب سرمایه‌های غیر مولد به سمت بازار سرمایه گردد که حاصل آن افزایش سرمایه‌گذاری و افزایش اشتغال در سطوح اقتصادی است.

بر اساس نتایج به‌دست‌آمده پیشنهاد می‌گردد سیستم‌های یکپارچه اطلاعاتی حسابداری در کشور راه‌اندازی گردد تا بدین‌وسیله دسترسی همگان به اطلاعات مالی و حسابداری میسر شود زیرا شفافیت در سیستم‌های اطلاعاتی یکی از مؤلفه‌های ارتقا شاخص‌های اقتصادی است. به اداره‌کنندگان بازار سرمایه پیشنهاد می‌گردد داده‌های بازار سهام را به‌موقع و بدون محدودیت در اختیار سرمایه‌گذاران قرار دهند تا با انجام سرمایه‌گذاری‌های بهینه نرخ اشتغال ارتقا پیدا کند. به پژوهشگران پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی تأثیر نسبت‌های مالی را بر نرخ اشتغال و دیگر شاخص‌های اقتصادی بررسی کنند. همچنین پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی

تأثیر داده‌های حسابداری و داده‌های بازار سهام بر نرخ ارز و طلا مورد بررسی قرار گیرد.

### فهرست منابع

- \* ذوالفقاری، مهدی. (۱۳۹۸). بررسی تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر ارزش معاملات سهام در بورس اوراق بهادار. مدیریت تحقیق و توسعه بورس اوراق بهادار تهران.
- \* جلالی، سیدعبدالمجید؛ میر، هدیه و رحیمی پور، اکبر. (۱۳۹۵). تأثیر بازدهی سهام بر تابع تقاضای بازار کار ایران. فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۲(۶۳)، ۳۷-۶۲.
- \* خانی، عبدالله و قجاوند، زیبا. (۱۳۹۱). تتأثیر طیف رقابتی بازار بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه سرمایه سهام عادی. پژوهش‌های حسابداری مالی، ۴(۴)، ۶۷-۸۸.
- \* خلیلی، فرزانه. (۱۳۹۸). بررسی عوامل و سیاست‌های موثر بر اشتغال نیروی کار. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۷(۲۷)، ۴۱-۶۰.
- \* سهیلی، کیومرث؛ فتاحی، شهرام و محمدی، سعیده. (۱۳۹۶). بررسی نقش و اثرات سرمایه‌گذاری خصوصی و عمومی بر اشتغال در استان‌های ایران: با رویکرد گشتاورهای تعمیم‌یافته. پژوهشنامه اقتصاد کلان، ۱۲(۲۴)، ۱۲۱-۱۴۸.
- \* علیقلی، منصوره و حسینی، سید مهدی. (۱۳۹۶). چگونگی اثرگذاری نوسانات شاخص قیمت سهام بر تغییرات رشد اقتصادی در ایران (۹۶-۱۳۷۱). اقتصاد مالی، ۱۱(۴۱)، ۲۰۱-۲۲۴.
- \* فدایی نژاد، اسماعیل و فراهانی، رضا. (۱۳۹۶). اثرات متغیرهای کلان اقتصادی بر شاخص کل بورس اوراق بهادار تهران. اقتصاد مالی، ۱۱(۳۹)، ۱-۲۶.
- \* لطفی، محسن؛ حقیقت، حمید و قائمی، محمدحسین. (۱۳۹۷). اعتبارسنجی و توسعه مدل‌های همزمانی بازده سهام و تأثیر وضعیت اقتصادی کشور بر تغییرات آن. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۷(۲۵)، ۸۱-۹۸.
- \* موسایی، میثم؛ مهرگان، نادر و امیری، حسین. (۱۳۸۹). رابطه بازار سهام و متغیرهای کلان اقتصادی در ایران. فصلنامه پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، ۱۸(۵۴)، ۷۳-۹۴.
- \* هاشمی، سید عباس؛ امیری، هادی و تیموری، زهرا. (۱۳۹۶). تأثیر متغیرهای کلان اقتصادی بر سود آتی حسابداری. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۹(۳۴)، ۱۶۳-۱۹۰.

- \* Alkdai, H.K.H. and Hanefah, M.M. (2012). Board Of Director's Characteristics and Value Relevance Of Accounting Information In Malaysian Shariah-Compliant Companies:A panel data analysis. *Economics and Finance Review*, 2(6), 31-44.
- \* Ball, R. and Brown, P. (1968). An Empirical Evaluation of Accounting Income Numbers. *Journal of Accounting Research*, 6 (2), PP.159-179.
- \* Belo, F., Lin, X. and Bazdresch, S. (2014). Labor hiring, investment, and stock return predictability in the cross section. *Journal of Political Economy*, 122, 129-177.
- \* Benmelech, E., Frydman, C. and Papanikolaou, D. (2019). Financial frictions and employment during the Great Depression. *Journal of Financial Economics*, 133(3), 541-563.
- \* Brainard, L. and Cutler, D. (1993). Sectoral shifts and cyclical unemployment reconsidered. *Quarterly Journal of Economics*, 108, 219-243.
- \* Chan, K. Hameed, A. (2006). Stock Return Synchronicity and Analyst Coverage in Emerging Markets. *Journal of Financial Economics*, 80(1), pp. 115-147.
- \* Levine, R. and Zervos, S. (1998). Stock markets, banks, and economic growth. *American Economic Review*, 88, 537-558.
- \* Loungani, P., Rush, M. and Tave, W. (1990). Stock market dispersion and unemployment. *Journal of Monetary Economics*, 25, 367-388.
- \* Liu, W., Luo, D., Park, S. and Zhao, H. (2019). Employment Growth, Liquidity Risk, and the Cross-section of Stock Returns. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3322396>.
- \* Nallareddy, S. and Ogneva, M. (2017). Predicting Restatements in Macroeconomic Indicators using Accounting Information. *The Accounting Review*, 92(2), pp. 151-182.
- \* NÆS, R., Skjeltorp, J.A. and ØDEGAARD, B.A. (2011). Stock market liquidity and the business cycle. *Journal of Finance*, 66, 139-176.

## یادداشت‌ها

- 
- <sup>1</sup> - Ball and Brown
  - <sup>2</sup> -Nallareddy and Ogneva
  - <sup>3</sup> - Loungani et al
  - <sup>4</sup> - Brainard and Cutler
  - <sup>5</sup> -Chen et al
  - <sup>6</sup> - Bormister and Wal
  - <sup>7</sup> - Pune and Taylor
  - <sup>8</sup> - Alkdai and Hanefah
  - <sup>9</sup> - Levine and Zervos
  - <sup>10</sup> - NÆS et al
  - <sup>11</sup> - Belo et al
  - <sup>12</sup> - Liu et al